



دانشگاه پیام نور

زمان شناسی جنایی

دکتر یاور جلالیان صالح

«دانش آموخته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی»

دکتر مهدی مومنی

«عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور»

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه ملی، که یک واجب دینی است.^۱

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه مطالعه هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

۱. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز هفته کتاب ۷۲/۱۰/۴

سوره‌ای که بر آن فرستاده عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

هشت

مقدمه

۱	فصل اول: مفهوم شناسی
۱	۱-۱ شناخت ماهیت جرم
۲	۱-۱-۱ مفهوم لغوی و اصطلاحی
۴	۲-۱-۱ آموزه‌های حقوق کیفری
۹	۳-۱-۱ منابع اسلامی
۱۱	۴-۱-۱ تعریف جرم در نگاه حقوق کیفری
۱۴	۵-۱-۱ تعریف جرم از منظر جرم‌شناسی
۱۶	۲-۱ شناخت دانش جرم‌شناسی
۱۶	۱-۲-۱ مفهوم لغوی و علمی
۱۸	۲-۲-۱ پیشینه تحولات جرم‌شناسی
۲۲	۳-۲-۱ اهمیت جرم‌شناسی
۲۴	۴-۲-۱ اهداف جرم‌شناسی
۳۱	۵-۲-۱ تقسیمات جرم‌شناسی
۳۴	۶-۲-۱ رابطه جرم‌شناسی با سایر علوم
۳۹	۳-۱ معنانشناسی زمان
۴۰	۱-۳-۱ از نظر لغوی و عرفی
۴۰	۲-۳-۱ از نظر فلسفی و علمی
۴۲	۴-۱ نقش زمان در تغییر احکام کیفری اسلامی
۴۳	۱-۴-۱ احکام منصوب کیفری
۴۵	۲-۴-۱ احکام مستنبطه کیفری
۴۷	۳-۴-۱ احکام حکومتی کیفری

۴۹	فصل دوم: نقش زمان در تحقق جرم و آثار حقوقی آن
۴۹	مقدمه
۴۹	۱-۲ تأثیر زمان بر جرم‌انگاری و کیفردهی
۵۰	۱-۱-۲ تحول جرم‌انگاری در گذر زمان
۵۶	۲-۱-۲ محدوده زمانی اعتبار قوانین جزایی
۶۴	۳-۱-۲ نقش عنصر زمان در تشکیل رکن مادی جرایم
۶۸	۴-۱-۲ رابطه زمان و مسئولیت کیفری
۷۴	۵-۱-۲ تأثیر عنصر زمان بر فرآیند مجازات
۸۲	۶-۱-۲ رابطه زمان با اسباب سقوط مجازات
۹۱	فصل سوم: تحلیل جرم‌شناختی مقتضیات زمانی در پدیده مجرمانه
۹۱	مقدمه
۹۱	۱-۳ موقعیت‌های زمانی و آثار آن بر جرم‌زایی
۹۱	۱-۱-۳ موقعیت و بزهکاری
۹۴	۲-۱-۳ مفهوم و اقسام موقعیت
۹۷	۳-۱-۳ طبقه‌بندی زمانی جرایم
۱۱۷	۲-۳ پدیده مجرمانه و شرایط زمان بحران
۱۱۸	۱-۲-۳ نوسانات بزهکاری در زمان جنگ
۱۲۹	۲-۲-۳ ارتباط شورش و انقلاب با بزهکاری
۱۳۳	۳-۲-۳ حوادث غیرمترقبه طبیعی و بزهکاری
۱۳۸	۴-۲-۳ جرم‌شناسی تورم و رکود اقتصادی
۱۴۴	۳-۳ آثار جهانی شدن بزهکاری
۱۴۷	۱-۳-۳ گونه‌شناسی جرایم در عصر جهانی شدن
۱۵۷	۲-۳-۳ وسایل و شیوه‌های نوین ارتکاب جرم
۱۵۹	۳-۳-۳ چالش بزهکاران و بزه‌دیدگان نوظهور
۱۸۱	منابع



مقدمه

زمان‌شناسی جنایی یعنی بررسی و شناخت نقش و جایگاه «زمان» به عنوان یک عامل جرم‌زا و نیز گاه یک شرط تحقق جرم در تحلیل پدیده بزهکاری. شناخت موقعیت یا وضعیت پیش‌جنایی با در نظر گرفتن مؤلفه زمان برای توضیح عمل مجرمانه ضروریست. زیرا عمل جنایی پاسخ شخصیت به موقعیت معین است. از این رو می‌توان علت‌شناسی جرم را در شخصیت بزهکار یا در موقعیت پیش‌جنایی مورد کاوش قرار داد.

امروزه شاهد رشد تصاعدی و روزافزون جرایم در جهان هستیم. این امر در حالی به یک نگرانی فراگیر و مداوم در تمام جوامع و سیستم‌های قضایی تبدیل شده است که گزارش‌های سازمان ملل متحد، درباره کارآمدی انواع مجازات، نشان‌دهنده نرخ بالای پنجاه درصدی تکرار جرم در سطح جهانی است. تردیدی وجود ندارد که کاستن از تعداد جرایم در هر جامعه منوط به شناخت صحیح عوامل مؤثر در بروز جرایم مربوط به آن جامعه و برنامه‌ریزی جامع و تبدیل تئوری‌ها به راهکارهای عملی به منظور پیشگیری از وقوع جرم است. از طرفی عوامل جرم‌زا متعدد و متکثراند و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر افراد مختلف بسیار متنوع و پیچیده است. بدین جهت هرگز نمی‌توان به رابطه علیتی تام و عمیقی

بین یک عامل اجتماعی و بزه دست یافت. چراکه یک پدیده اجتماعی به تنهایی جرم زا نبوده بلکه اِقتِران زمانی و مکانی چندین عامل با هم لازم است که درنهایت به ارتکاب جرم توسط یک شخص می‌انجامد.

از سوی دیگر هرچند ممکن است اعمال مجرمانه افراد مختلف دارای عناوین جزایی واحد باشد، اما از لحاظ جرم شناختی نمی‌توان عمل هر مجرم را با دیگری یکی دانست. چراکه علل وقوع آن‌ها متفاوت است. دراصل همه پدیده‌های اجتماعی از جمله جرم، همواره تابع زمان و مکان است و با تغییر مختصات این دو عامل، دستخوش تنوع و دگرگونی قرار می‌گیرد. بنابراین می‌توان معتقد بود، تفاوت‌های بنیادین زمانی و مکانی می‌تواند موجب توزیع غیر یکسان جرایم در نقاط مختلف و برهه‌های زمانی گوناگون باشد.

در دین مقدس اسلام هم که تعالیم و دستورات آن مرتفع‌کننده همه نیازهای انسان‌ها در هر عصر و زمانی است، منابع فقهی به‌خصوص قرآن و روایات معصومین (ع) به کرات بر مختاربودن انسان و نقش مکان در ارتکاب گناه و ایجاد انحرافات رفتاری و شخصیتی تأکیدات فراوانی دارند. براین اساس انسان‌ها در طول زندگی خویش پیوسته متأثر از نیروهای قدرتمند طبیعت نظیر کیفیت آب و هوا، درجه حرارت، فرهنگ و آداب و رسوم حاکم بر جامعه قرار دارد. به‌طورکلی آدمی، در معرض پیامدهای مثبت و منفی برخی از ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اطرافیان خود قرار دارد که درحد وسیعی در پیدایش و تغییر اعمال هنجارشکن تأثیرگذار است. بدین‌نحو شخصیت مجرمانه در محیط‌های مختلفی اعم از خانواده جمع دوستان - مدرسه - دانشگاه - محل کار، سکونت و رفت‌وآمد، که از بدو طفولیت تا پیری، هر فردی با آن مواجه است شکل گرفته و ضمن جهت دهی کلی به مسیر زندگی، با گذشت زمان در وجود آدمی نهادینه می‌شود.

بنابراین خصوصیات زمانی و مکانی نظیر وجود محدوده‌های پرازدحام و متراکم در طول روز و کم‌تراکم در طول شب، نوع و ترکیب و میزان کاربری‌هایی متنوع اراضی، وضعیت جغرافیایی و فیزیکی مناطق، ساختمان‌ها و معابر، مهاجرت و حاشیه نشینی و مانند این‌ها بر شکل‌گیری کانون‌های جرم خیز مؤثر است. ازاین‌رو به‌نظر می‌رسد؛ بین ویژگی‌های زمان و مکان و شکل‌گیری تمایلات مجرمانه و ایجاد احساسات و انگیزه جرم

رابطه معناداری وجود دارد. از این لحاظ یکی از نخستین گام‌های مبارزه با بزهکاری، تحلیل نقش زمان از بعد جرم‌شناختی است.

در طی گذر زمان بر اثر توسعه تمدن بشری و گسترش فناوری‌های جدید و جریان آن در زندگی روزمره مردم، علاوه بر افزایش چندبرابری مصادیق مجرمانه، جوامع شاهد دگرگونی در شکل و پیچدگی طرق ارتکاب جرم و به تبع ظهور نسل نوینی از جرایم، بزهکاران و بزه‌دیدگان هستند که شناخت آن‌ها مستلزم مطالعات جرم‌شناختی جدیدی است. در همین راستا فرآیند جرم‌انگاری و تنوع واکنش‌های جزایی و تدابیر غیرکیفری در حقوق موضوعه ایران، همیشه تحت تأثیر گذر زمان و به تبع آن تحول و پیدایش موضوعات جدید بوده است.

باتوجه به اینکه تاکنون تحقیق جامع و مانعی درخصوص این موضوع انجام نشده است. از این حیث سؤال‌های زیر قابل طرح است و باید مورد پژوهش قرار گیرد:
اولاً؛ نقش زمان در تحقق جرایم و انتساب مسئولیت کیفری از ابعاد مختلف حقوقی چگونه ارزیابی می‌شود؟

ثانیاً؛ پدیده زمان چگونه در تعیین کیفر و اجرای آن، نقش ایفا می‌کند؟
ثالثاً؛ نقش زمان و مقتضیات آن در ایجاد و یا مهار پدیده مجرمانه و نیز تحولات آن، از منظر جرم‌شناختی چگونه ارزیابی می‌شود؟

برای نیل به مقصود در این پژوهش سعی داریم تا با اشاره به کاستی‌ها و ایرادات قوانین فعلی و بررسی نحوه اثرگذاری پدیده زمان بر اعمال کیفر، آثار مقتضیات زمان را بر فرآیند کیفری از مرحله جرم‌انگاری و سپس وقوع جرم تا اجرای مجازات، مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم.

در نهایت درصدد آن هستیم که تئوری «پیشگیری از جرم از طریق کاهش فرصت‌های جرم‌زا با تکیه بر متغیرهای زمانی» را ارائه و به عنوان مؤثرترین و کم‌هزینه‌ترین رهیافت در شرایط فعلی به منظور کاهش نرخ بزهکاری تبیین و تثبیت کنیم.

• اهمیت و ضرورت پژوهش

بررسی نقش زمان در وقوع جرایم از اهمیت خاص برخوردار است. با بررسی‌های به عمل آمده در کتاب‌های حقوقی و فقهی، مشخص شد که فقط از دیدگاه جزایی و با

رویکردی فقهی به صورت محدود به موضوع پرداخته شده است. همچنین نه تنها باب مستقلى تحت عنوان مورد بحث، تدوین نشده، بلکه تاکنون تحقیق جامع و مانعى در این خصوص صورت نگرفته است. لذا پژوهش حاضر مى تواند به غناى ادبیات حقوقى و دانش جرم شناسى کشورمان کمک کرده، در اصلاح قوانین موجود و ایجاد خطوط راهنما برای رویه قضایى، مؤثر واقع شود. همچنین موجبات بهبود سطح کیفى سیاست جنایى کشور را در امر پیشگیرى از جرم فراهم آورد. در صورت عملیاتی شدن راهکارهاى این پژوهش، به نظر مى رسد در بلندمدت با کاستن از نرخ بزهکاری، کاهش هزینه های دولت را شاهد خواهیم بود.

عامل زمان بر احکام فقهی و مقررات حقوقی اعم از کیفری، عمومی، خصوصی، داخلی و بین المللی تأثیر غیر قابل انکار دارد. چراکه گذر و تغییر زمان، سبب ایجاد وضعیت جدید و مخصوصی از نظر قانونی، حقوقی و جرم شناسی می شود. مفهوم زمان در حقوق جزا جایگاه ویژه ای دارد. مقتضیات زمان علاوه بر اینکه بر تحولات مبانی جرم انگاری مؤثر است، از دیدگاه حقوق کیفری، هم از بعد ماهیتی و هم بعد شکلی، نقش بسزایی ایفا می کند.

از لحاظ حقوقی، با عنایت به تأثیر پذیری حقوق موضوعه ایران از احکام جزایی شریعت مقدس اسلام، قانونگذار ایران در بسیاری از مواد قانونی برخی از موقعیت های زمانی را که دارای خصوصیات شرعی، عرفی و خاص هستند، شرط تحقق جرم، تخفیف یا تشدید کیفر دانسته است. جرم انگاری نسبت به برخی اعمال و جرم زدایی از برخی اعمال دیگر و تبیین دادگاه صالح و به طور کلی تعیین قلمرو زمانی قوانین جزایی از دیرباز مورد توجه بوده است. در این راستا گاهی شرط تشکیل رکن مادی جرمی خاص، وقوع آن در زمان خاصی است. مانند تظاهر به روزه خواری در ماه مبارک رمضان؛ گاهی نیز زمان در تشدید مجازات مؤثر است، همانند سرقت در شب. همچنین مقتضیات زمان، بر فرآیند تعدیل و جایگزینی کیفر، تحول ابزار و نحوه اجرای مجازات ها نقش تعیین کننده دارد.

به نظر مى رسد از بعد جرم شناختی، در برهه های خاص زمانی (مانند: بحران جنگ - هنگام شورش - بلایای طبیعی - رکود اقتصادی و تورم) برخی از مکان ها با توجه به وسعت و محدوده آن، بافت جمعیتی، ساختار فضایی کالبدی خاص و همچنین شرایط و خصوصیات فرهنگی، فردی، اجتماعی و اقتصادی ساکنان آن از قبیل (جنسیت - مذهب - هرم سنی - میزان تحصیلات - سطح درآمد - نوع شغل - حس جامعه گرایی - روحیه

قانون‌گرایی - وجود خرده‌فرهنگ‌ها و اختلافات قومی - نژادی و مانند این‌ها) امکان و فرصت بیشتری برای بروز جرم دارند. همین امر دلیل موجهی بر وجود تفاوت نرخ جرایم در مناطق گوناگون است. بنابراین اثرات موقعیت‌های زمانی بر رفتار انسان قابل چشم‌پوشی نیست. درواقع مؤلفه زمان علاوه بر آنکه می‌تواند تاحدی بیانگر حالت خطرناک بزهکار باشد، به عنوان یک عامل جرم‌زا یا تسهیل‌کننده بزه نیز مطرح‌بوده که بر نوسانات بزهکاری پیوسته تأثیرگذار است.

معتقدیم؛ جرم بیش از آنکه پدیده‌ای جبرگرایانه باشد، معلول فرصت و تابعی از شرایط زمان و مکان است. ازطرفی تأثیرگذشتن بر عوامل وضعی راحت‌تر از مبارزه با ضعف‌های بشر و اصلاح شخصیت افراد است. بر همین مبنا می‌بایستی علاج واقعه قبل از وقوع کرد و راه حل کارآمد، مناسب و کم‌هزینه که همانا تئوری «پیشگیری از جرم از طریق کاهش فرصت‌های جرم‌زا با تکیه بر متغیرهای زمانی» است را جزئی از سیاست جنایی در مبارزه با جرایم قرارداد تا شاهد کاهش روزافزون نرخ بزهکاری باشیم.

• روش و ساختار پژوهش

پژوهش در این کتاب به روش تحلیلی - توصیفی انجام شده است. شیوه جمع‌آوری داده‌ها، استفاده از منابع نظری اعم از داخلی و خارجی است. همچنین با بهره‌گیری از ابزار مشاهده و فیش‌برداری، در گردآوری اطلاعات از روش مطالعه کتابخانه‌ای که مبتنی بر بررسی متون کتب و مقالات و محتوای منابع علمی اعم از داخلی و خارجی مرتبط با موضوع است، استفاده کرده ایم. در این کتاب فصل اول به مفهوم‌شناسی و طرح کلیات از قبیل بررسی مفاهیم تحقیق، مواردی همچون؛ شناخت ماهیت جرم، شناخت دانش جرم‌شناسی از ابعاد مختلف، معناشناسی پدیده زمان و درنهایت به تبیین نقش زمان در تغییر احکام کیفری اسلامی می‌پردازد.

در فصل دوم، نقش زمان در تحقق جرم و نقد و بررسی آثار حقوقی آن مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد. بدین‌منظور در بخش اول از این فصل، پس از مرور مبانی تحول جرم‌انگاری در گذر زمان و اثر زمان بر اعتبار قوانین، در ادامه به تحلیل حقوقی رابطه زمان با مسئولیت کیفری و اسباب سقوط کیفر و بررسی تأثیرگذاری عنصر زمان بر فرآیند مجازات از ابعاد گوناگون می‌پردازیم.

فصل سوم به تحلیل جرم‌شناختی مقتضیات زمانی در پدیده مجرمانه می‌پردازد. در این فصل تحت سه بخش ابتدا اثرات موقعیت‌های زمانی بر جرم‌زایی بیان و تجزیه و تحلیل می‌شود. سپس تأثیرپذیری ارکان پدیده مجرمانه از شرایط زمان بحران نظیر جنگ، شورش و انقلاب، تورم و رکود اقتصادی و حوادث غیرمترقبه طبیعی تبیین و تحلیل می‌شود. در بخش سوم، آثار جهانی پدیده مجرمانه را در بعد زمان، مشتمل بر گونه‌شناسی جرایم در فضا‌های واقعی و مجازی و نیز چالش‌ها در مواجهه با بزه‌کاران و بزه‌دیدگان نوظهور، مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

فصل اول

مفهوم شناسی

۱-۱ شناخت ماهیت جرم

ماهیت چیزی است که توسط آن به سؤال از چیستی شیء یا چیزی جواب داده می‌شود.^۱ به عبارت دیگر، ماهیت هرچیز، نوع آن یعنی مجموعه ذاتیات آن چیز است.^۲ فلسفه انتخاب تعبیر ماهیت جرم در این حقیقت نهفته است که لفظ «ماهیت» اعم از واژه «تعریف» است. جرم به مثابه یک مفهوم انتزاعی و پیچیده است که اکثر علوم انسانی سعی در شناخت واقعی آن داشته و دارند. با عنایت به تداوم دگرگونی‌های اجتماعی و تحولات بین‌المللی که تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، نباید پنداشت که کاوش پیرامون ماهیت جرم، به زمان گذشته حقوق کیفری برمی‌گردد و اکنون سخن گفتن از این پدیده، تکرارگفته‌های پیشینیان است.

فارغ از اینکه در حقوق کیفری نص‌گرای ایران، مباحث مقدماتی و مبنایی نسبت به جرم، هیچ‌گاه به صورت کامل و مفید ارائه نشده است. در گذر زمان ظهور جلوه‌های جدیدی از جرم مانند طرح جرایم چندرفتاری همچون اقدامات تروریستی، پیدایش و نمو جرایم در فضای سایبر و بالأخره خروج انحصار ارتکاب جرم از جانب انسان و تسری آن به اشخاص حقوقی، ماهیت سنتی و از پیش گفته شده جرم را به چالش کشیده و ارائه تصویری جدید از این پدیده را که بتواند پرده از ماهیت آن بردارد، ضروری ساخته است.

۱. صلیبا، جمیل، فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، انتشارات حکمت، ۱۳۶۶، ص ۵۶۶.

۲. خوانساری، محمد، منطق صوری، جلد اول و دوم، چاپ نوزدهم، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۷۵، ص ۹۲.

در زندگی انسان مدرن، شناخت ماهیت جرم مبدل به معمایی پیچیده شده است. تلاش‌های بسیاری برای رمزگشایی از این معمای شگفت‌انگیز صورت گرفته است. با این وجود، تمامی این تلاش‌ها درنهایت، بیش‌ازپیش به پیچیده‌تر شدن این معنا دامن زده‌اند. بر این اساس یکی از نقاط بحث‌برانگیز که ضرورت طرح آن در حقوق کیفری ایران احساس می‌شود، ماهیت جرم است که یکی از برجسته‌ترین موضوع‌های میان رشته‌ای محسوب می‌شود. از همین رو مفهوم جرم را که یکی از مؤلفه‌های اصلی اثر حاضر است مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱-۱-۱ مفهوم لغوی و اصطلاحی

ماهیت یا چیستی جرم با تعریف آن و بیان ارکان تشکیل‌دهنده و شرایطش تبیین می‌شود. در این میان، تعریف دقیق و مناسب و نه تعریف جامع و مانع، چون امکان‌پذیر نیست، نقطه شروع شناخت جرم و کلید اصلی مراحل بعدی است. ارکان جرم و شرایط آن به طور عمده در چارچوب منابع حقوق کیفری طرح می‌شود. در مقابل، چون تعریف جرم مستظهر به مطالعات میان رشته‌ای است، در انحصار این منابع قرار نداشته و در نتیجه تعاریف آن نیز متنوع است.

تعریف جرم همچون تعریف پدیده‌های دیگر، در دو مرحله که در طول هم قرار دارند، صورت می‌گیرد: ریشه و منشأ پدیده در قالب معنای لغوی و کاربرد نظری و عملی آن بر حسب رشته در قالب معنای اصطلاحی.

جرم در معنای لغوی مترادف گناه، تعدی، خطا و عصیان آمده است^۱ و جمع آن اجرام و جروم است.^۲ بر این اساس، جرم در معنای لغوی دارای محدوده وسیعی است که هم شامل بزه و هم گناه می‌شود. استعمال این لفظ در زبان فارسی به عنوان فعل یا ترک فعل قابل کیفر، عاری از اشکال نیست. در واقع، بزه معادل کلمه جریمه است و جریمه اخص از جرم، عمل یا ترک عملی است که قانون آن را با عقوبت و تنبیه بدنی تعقیب کند.^۳ جمع کلمه جریمه، جرایم است. حتی در متون ادبی گذشته نیز جرم

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ج ۵ و ۱۳ و ۱۴، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ۷۶۵۷.

۲. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۵۰۰.

۳. جرّ، خلیل، فرهنگ لاروی، ترجمه سیدحمید طبیبیان، ج ۱، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۷۵، ص ۷۳۹.

هیچ‌گاه در معنای انحصاری فعل یا ترک فعل قابل عقوبت دنیوی، نیامده و دارای معنای وسیعی بوده است که هم شامل گناه می‌شد، هم بزه و هم خطا.

در مباحث حقوق کیفری ایران معنای لغوی جرم در پرده ابهام، مستور مانده است. از یک طرف، استعمال واژه «جرم» به دلیل وسعت معنای آن، صحیح به نظر نمی‌رسد و از طرف دیگر، هرچند کاربرد واژه «جرائم» از سوی حقوق دانان ایرانی صحیح و منطبق با ساختار دستوری آن است، لیکن آن‌ها واژه «جرائم» را که جمع کلمه «جریمه» و به معنای جرم قابل مجازات است، به اشتباه در جمع بستن واژه «جرم» استفاده می‌کنند.^۱ استعمال کلمه «جرائم» به عنوان جمع واژه «جرم» پذیرفتنی نیست؛ زیرا با وجود اشاعه لفظ «جرم» در معنای فعل یا ترک فعل قابل کیفر در حقوق ایران، نمی‌تواند ساختار دستوری عربی آن را برهم زد و واژه «جرائم» را به مثابه جمع مکسر آن تلقی کرد.

لفظ «جریمه» نیز مجرای کاربرد ندارد؛ زیرا در زبان فارسی، این کلمه به معنای تاوان و غرامت آمده است.^۲ این ادعا در ادبیات حقوقی فعلی جا افتاده، چنان‌که لفظ عربی «جریمه» از معنای اصلی خود عدول کرده و در ردیف مجازات و جبران خسارت قرار گرفته است.

این وضعیت در مورد بزه نیز حاکم است. تلفظ صحیح بزه به نقل از لغت‌نامه دهخدا به فتح «ب» و «ز» یا به فتح «ب» و کسر «ز» است. این واژه و واژه‌های هم‌خانواده یعنی بزه‌کار و بزه‌کاری به تازگی و بیشتر برای مطالعات جرم‌شناختی رایج شده و واژه‌ای قدیمی و رایج در ادبیات فارسی بوده است. شایان ذکر است در حقوق غربی بین دو اصطلاح «crime» و «offence» تاحدی تمایز قائل شده‌اند. اولی معنای نوعی و دومی را در مفهوم مصداقی به کار می‌برند. البته در ایران این تفکیک با به کار بردن لفظ جرم به طور کلی، رعایت نمی‌شود.

تعریف مصطلح جرم از معنای لغوی آن فاصله دارد و برحسب رشته مربوطه، شرایط و قیودی بر معنای لغوی وارد شده است. تعریف جرم برحسب نظر اندیشمندان و براساس رشته‌هایی که جرم را مورد مطالعه قرار می‌دهند، متنوع و متفاوت است.

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه کنج دانش، ۱۳۹۲، ص ۱۹۰.

۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، ج ۵، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ۷۷۰۰.

از آنجایی که تعاریف متفاوت از جرم در تحقق اهداف این پژوهش، نقش اساسی ایفا می‌کنند، لذا در مباحث بعدی به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود تا مفهوم اصطلاحی جرم از ابعاد مختلف تبیین شود.

۱-۲ آموزه‌های حقوق کیفری

جرم نزد اندیشمندان و حقوق دانان تعاریف گوناگونی داشته به طوری که در این باره اتفاق نظر وجود ندارد. کارشناسان این فن، هرکدام تعریف خاص خودشان را ارائه داده‌اند و برخی، تعاریف دیگران را نیز به بوتۀ نقد گرفته‌اند. بررسی و هم‌سنجی تعاریفی که تاکنون در باب جرم ارائه شده است، می‌تواند ما را به برداشت دقیق‌تری رهنمون سازد.

افلاطون فیلسوف یونانی چهار قرن قبل از میلاد می‌زیست. او جرم را فعلی عمدی می‌دانست که منشأ اصلی آن، بیماری روح است؛ لذا معتقد بود نیاستی ارتکاب جرم را با زیان رساندن اشتباه گرفت. فقط اعمال ظالمانه، باید جرم تلقی شوند، هرچند زیانی در پی نداشته باشند. اعمال غیر عمدی چون ظالمانه نیستند، نباید جرم تلقی شوند، هرچند بر شخص زیان وارد سازند. افلاطون علت اصلی جرایم بزرگ را نادانی مرکب یعنی نادانی که خیال می‌کند داناست، می‌داند.^۱

ولتر از نامدارترین فیلسوفان و نویسندگان فرانسوی عصر روشنگری بود. او جرم را پدیده‌ای اجتماعی به زیان منفعت اجتماعی می‌دانست و اعتقاد داشت کیفر باید این زیان را جبران کند. در نظر ولتر چون عوامل اجتماعی سازنده جرم هستند، اثبات می‌شود که مجرم یک انسان عادی نیست و فشارهای مختلف او را دچار دگرگونی کرده است.^۲

امانوئل کانت عمل مغایر تکلیف را تخلف می‌نامید. تخلف غیر عمدی که در هر صورت به حساب عامل گذاشته می‌شود، خطا و تخلف عمدی و عالمانه جرم نامیده می‌شود. کانت در جای دیگر می‌نویسد: «اگر عمل شخصی به حکم قانون (نه تکلیف) باشد، دین است و اگر کمتر از حد قانونی باشد، جرم است.»^۳

۱. افلاطون دوره آثار افلاطون، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ دوم،

۱۳۳۷، ج ۳، ص ۲۱۱.

۲. مظلومان، رضا، «جرم چیست؟»، مهنامه قضایی، سال ۶، شماره ۶۶، شهریور ۱۳۵۰، ص ۶۹.

۳. کانت، ایمانوئل، فلسفه حقوق، ترجمه صانعی دره بیدی، منوچهر، تهران: انتشارات نقش نگار، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲.

نویسنده و فیلسوف بزرگ فرانسوی سزار بکاریا جرم را زیانی می‌دانت که به جامعه وارد می‌شود. فعل یا ترک فعلی جرم محسوب می‌شود که میان این دوحد واقع شود: یا به‌طورمستقیم جامعه و یا امنیت خصوصی شهروندان را به خطر اندازد؛ یا اعمالی باشد مغایر با آنچه هرکس مکلف به انجام‌دادن یا ترک آن به‌منظور تأمین مصلحت عمومی است.^۱

هگل فیلسوف آلمانی، تجاوز به حق در مقام حق را جرم می‌دانت. او معتقد بود جرم تحول اراده است. در تعارض بین اراده کلی که در خود وجود دارد (حق) و اراده منفرد که در تعارض با اراده کلی و برای خود وجود دارد (نقض حق)؛ اراده منفرد، نفی حق می‌کند و کیفر، نفی نفی و اعاده اراده کلی.^۲

جامعه‌شناس بزرگ قرن نوزدهم دورکیم پس از بیان بهنجاربودن جرم و اینکه تصور وجود جامعه عاری از جرم محال است، می‌گوید: «جرم عبارت از فعلی است که احساسات جمعی معینی را که دارای نیرو و صراحت مخصوص است، جریحه‌دار می‌سازد».^۳

رسی، حقوق دان سوییسی معتقد بود؛ نقض تکلیف اخلاقی نسبت به جامعه یا افراد، تکلیفی که برای حفظ نظم سیاسی مفید است و ایفای آن تنها با ضمانت اجرای کیفری قابل تأمین است و نقض آن در پیشگاه عدالت انسانی قابل رسیدگی است، بزه نامیده می‌شود.^۴

گاروفالو قاضی و جرم‌شناس ایتالیایی جرم را به دو نوع طبیعی و قراردادی تقسیم می‌کند. جرم طبیعی، جرمی است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است و تمام جوامع آن را قابل کیفر دانسته اند. جرم قراردادی جرمی است که برحسب زمان و مکان برای تضمین نظم اجتماعی ایجاد می‌شود.

ژان مارکوزه حقوق دان فرانسوی می‌گوید؛ جرم طغیان یک فرد است ضدقوانین که مفسر اراده اجتماع است. بنابراین، جرم امری اجتماعی است که اولاً به یکی از

۱. بکاریا، سزار، جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۱۰۹.

۲. هگل، فردریش، عناصر فلسفه حق، ترجمه مهید ایرانی‌طلب، تهران: انتشارات پروین، ۱۳۷۸، ص ۱۸۹.

۳. دورکیم، امیل، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۳، ص ۶۹.

۴. پردال، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و نشر یلدا، ۱۳۷۳، ص ۷۰.

اعضای جامعه زیان می‌رساند و ثانیاً بر اثر تخطی از قوانین اجتماعی به قدرت و سلطه آن حمله‌ور می‌شود.^۱

حقوق دان فرانسوی ماکسول، هر عملی که به موجب قانون مکتوب یا قوانین نانوشته و عرفی در جامعه سیاسی معین مورد تعقیب واقع شود، را جرم می‌داند. به عقیده او، جرم عملی نسبی است و به صورت عام و مطلق قابل تعریف نیست.^۲

جرم‌شناس آمریکایی لمرت، جرم را نوعی انحراف می‌انگارد و به دو نوع انحراف اشاره دارد. در انحراف اولیه، جرم عملی است که در وضعیت قراردادی و متعارفی قرار داشته و به عنوان بخشی از نقش مرتکب که از نظر اجتماع پذیرفته شده است، تلقی می‌شود. در انحراف ثانویه، جرم به حالت تکرار درآمده و در وضعیت خودپندارانه و غیرمتعارف قرار می‌گیرد.^۳

همچنین آموزه‌های حقوق کیفری جرم را به شرح زیر تعریف کرده‌اند:

- آموزه عدالت مطلق؛ جرم عبارت است از نقض یک تکلیف اخلاقی. به دیگر سخن، جرم نظم اخلاقی را به هم می‌ریزد و مجازات، مشقت و رنجی است که هدف آن باید جبران اخلاقی باشد که در نظم اخلاقی ایجاد شده است.^۴
- آموزه کلاسیک؛ در تفکر کلاسیک که برخی حقوق دانان از آن به آموزه اصالت سودمندی یاد می‌کنند،^۵ جرم پدیده‌ای است که به منفعت اجتماعی خدشه وارد می‌سازد. در حقیقت، جرم نقض قراردادی اجتماعی است و این قرارداد در منفعت همگانی ریشه دارد.
- آموزه نئوکلاسیک؛ هر فعلی که مخالف حق و صواب است و برای حفظ و یا رفاه جامعه، دفع و سرکوب آن لازم باشد، جرم نامیده می‌شود.^۶
- آموزه الغاگرا؛ اصطلاح جرم باید حذف شود و به جای آن نشانه‌های حالت ضداجتماع به کار رود، چون الفاظ جرم و مسئولیت کیفری از هدف قوانین که اعتلای شخص در

۱. مارکوزه، ژان، جنایت، ترجمه مصطفی بیازار، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی ۱۳۴۳، ص ۳۷.

۲. نظری‌نژاد، محمدرضا، «مبانی حقوق کیفری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ۱۳۸۱، ص ۱۲۱.

۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران: انتشارات گنج‌دانش، ۱۳۷۷، ص ۲۷۲.

۴. باهری، محمد، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات رهام، ۱۳۸۱، ص ۳۶.

۵. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران: نشر میزان، چاپ شانزدهم، ص ۸۱.

۶. همان، ص ۵۲.

جامعه است، به دور است. این مکتب اقدامات خود علیه جرم را «حق علیه ناسازگاری با اجتماع» می‌نامد.^۱

- آموزه دفاع اجتماعی نوین؛ جرم پدیده‌ای چندمبنایی و چندبعدی است که با توجه به معیارهای انسانی و اجتماعی، مطالعه می‌شود. این مکتب در تلاش است تا به تدریج مفهوم رفتار جنایی را که جنبه روان‌شناختی - جامعه‌شناختی دارد، جایگزین مفهوم جرم که فقط مفهوم حقوقی دارد، کند.^۲

در تئوری‌های عدالت نیز نگرش به جرم به شکل زیر تبیین می‌شود:

- عدالت کیفری: جرم، نقض یکی از مقررات ایجادشده توسط دولت است. کانون توجه این مکتب، مجرم و هدف اصلی آن حمایت از ارزش‌های اجتماعی و جلوگیری از ارتکاب جرم توسط مجرم با توسل به حربه کیفر است.
 - عدالت ترمیمی: جرم، قطع توازن و روابط اجتماعی است و باید در جامعه و به وسیله جامعه، قربانی جرم و بزهکار، شناخته شود. این نظریه درصدد اعاده جامعه، قربانی و بزهکار، به حالت پیش از وقوع جرم است.
 - عدالت درمانی: جرم، ظهور بیماری بدنی یا شخصیتی مجرم است. تمرکز اصلی این تئوری بر اصلاح و درمان مجرم است.
 - عدالت اجتماعی: جرم، به وسیله افرادی که در جامعه جایگاهی نداشته‌اند، ارتکاب می‌یابد و اسباب آن، مسائل و مشکلات پیچیده اجتماعی است. هدف اصلی این نوع عدالت، بالابردن کیفیت زندگی اجتماعی و حفظ آن به عنوان راهی برای جلوگیری از وقوع جرم است.
- از دیدگاه آموزه‌ها و نظریه‌های جرم‌شناختی، نیز مفهوم جرم با تعاریف زیر ارائه شده است:

- آموزه تحقیقی: جرم، فعل اجتماعی غیر ارادی است که بر اثر جبرهای اجتماعی ارتکاب می‌یابد. این مکتب در عمل جرم را از یاد برده و فقط به مجرم پرداخته است. مجرمی که هیچ اراده‌ای در ارتکاب جرم نداشته و فقط باید حالت اجتماعی آن تقویت شود.^۳

۱. گراماتیکا، فیلیپو، دفاع اجتماعی، ترجمه هادی جلوه، تهران: چاپخانه بانک بازرگانی ایران، ص ۱۱.
 ۲. آنسل، مارک، «دفاع اجتماعی»، ترجمه محمد آشوری، و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ص ۱۲۶.
 ۳. محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: کتابخانه گنج‌دانش، چاپ دوم، ص ۲۳۲.

- نظریه برچسب‌زنی: جرم رفتاری است و مجرم کسی است که دیگران (رؤسای حکومت) به آن برچسب زده‌اند. بنابراین، هیچ رفتاری فی‌نفسه جرم یا کجروی محسوب نمی‌شود.^۱ جرم درواقع محصول کارخانه قانونگذاری است که مفاهیم نسبی و قراردادی ناشی از رویکرد سازمانی صاحبان قدرت از رفتار است.
 - جرم‌شناسی تضاد: جرم رفتاری است که بر اثر تضاد هنجارهای خرده فرهنگ‌ها با فرهنگ فراگیرتر، تضاد بین منافع دو گروه و یا بر اثر تضاد بین بخش‌هایی از جامعه با بخش‌های قدرتمند و مجری جامعه که قدرت شکل‌دادن به سیاست عمومی و قانون را دارند، شکل می‌گیرد.
 - جرم‌شناسی مارکسیستی: جرم، رفتاری است که علیه حقوق اساسی انسان که نمونه بارز آن برابری منافع سرمایه بین انسان‌ها است، ارتکاب و موجب صدمه اجتماعی می‌شود.^۲
 - جرم‌شناسی رادیکال: جرم، رفتاری است که ایجاد آن ریشه در دو عامل دارد؛ قدرت حاکمه که به‌وسیله اقتصاد و اعمال اجرائی، ایجاد جرم می‌کند و قدرت‌های فرودست قدرت حاکمه که به‌وسیله اقتصاد و جریان‌ات اجتماعی - فرهنگی مرتکب جرم می‌شوند.^۳
 - جرم‌شناسی پست مدرنیسم؛ تعریف جرم نسبی است و چون یک واقعیت وجود ندارد، جرم درواقع تداوم کشمکش بر سر فراورده‌ها و برداشت‌های معنایی و زبانی است.^۴
- با بررسی تعاریف فوق، مشخص می‌شود که اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم انسانی که انسان یا جامعه به‌طورمستقیم موضوع مطالعه آن‌هاست، درصدد تعریف جرم برآمده‌اند. دگرگونی این تعاریف درطول تحولات تاریخی مشهود است؛ به‌گونه‌ای که روزگاری معیار سنجش و تعریف جرم، نقض قواعد گروهی یا قبیله‌ای، سپس سرپیچی از اوامر و نواهی شرعی و بعد از آن رویگردانی از حق و عدالت و درنهایت، نقض قانون بوده است. این دگرگونی‌ها به‌روشنی گواه بر پویایی جرم و تأثیرپذیری عمیق ماهیت آن از مقتضیات زمانی است.

۱. ستوده، هدایت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی، انتشارات آوای نور، چاپ هشتم، ۱۳۸۰، ص ۷۱.

۲. جرج، ولد و دیگران، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، انتشارات سمت، ۱۳۸۰، ص ۸۹.

۳. صالحی، محمدخلیل، «عنصر مادی جرم»، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۲.

۴. حسینی، سیدمحمد، «رابطه مفهوم شرعی گناه و مفهوم حقوقی جرم و نسبت تحریم و تجریم»، مجموعه مقالات علوم جنایی، تقدیم به دکتر محمد آشوری، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲.

۱-۱-۳ منابع اسلامی

واژه جرم در قرآن ذکر نشده، اما مشتقات آن مانند؛ مجرمین، اجرموا، یجرمنکم، تجرمون، اجرمنّا، بیش از ۶۰ بار در قرآن آمده و دراصل بر همان مفهوم لغوی جاری است که کسب و کار زشت باشد.^۱ با این وجود، قرآن کریم آن را در مصادیق گسترده ای به کار برده است که شامل مستکبران، ستمگران و منکران معاند هم می‌شود.^۲ براین اساس، معنای جرم در قرآن به صورت عام بیان است. گناهان به لحاظ شدت و ضعف، قصد مرتکب و حالات گوناگون او، ممکن است تحت یکی از این عناوین قابل طرح باشد:

۱. سیئه - سوء: با قرارگرفتن لفظ سوء در مقابل گناهان کبیره، ازجمله در آیه ۳۱ سوره نساء «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ...» معلوم می‌شود «سوء» و «سیئه» به مفهوم گناهان صغیره است و شامل گناهان کبیره نمی‌شود.

۲. خطا: واژه خطا (خطأ) به دو مفهوم در قرآن آمده است:

الف) خطای مسئول: این نوع خطا که مشتقات آن در قرآن کریم به صورت خطیئه، خاطئون و خاطئه به کاررفته، وقتی است که شخص گناه می‌کند و مسئولیت هم دارد. دراین حالت، گاهی گناه سراسر وجود او را فرامی‌گیرد و بر نفس او چیرگی می‌یابد. چنان‌که در آیه ۸۱ سوره بقره آمده است:

«بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ».

ب) خطای غیرمسئول: در این نوع خطا شخص بدون تقصیر و از روی نسیان مرتکب جرم می‌شود که معمولاً به صورت «خطئی» و «اخطأنا» آمده است.^۳

۳. ذنب: ذنب و ذنوب به گناهان کبیره و شریرانه اطلاق می‌شود. ازاین رو به نظر می‌رسد لفظ «ذنب» با «جرم»، رابطه عموم و خصوص مطلق دارد.

۴. اثم: در قرآن کریم اثم، به صورت های گوناگون؛ اثم، اثم، اثم، تأثیم و ازجمله در مورد قمار، خمر، شهادت کذب و همچنین عذاب و عقوبت استعمال شده است. درباره معنای این کلمه اختلاف نظر وجود دارد. برخی^۴ گفته‌اند: کاری است که انسان را از

۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، فی تفسیرالقرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۱۰، چاپ پنجم، قم: نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۴، ص ۳۹۰.

۲. فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، ۱۳۶۹، ص ۶۵.

۳. همان.

۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، جلد ۵، چاپ پنجم، قم: نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۴، ص ۱۲۵.

ثواب باز می‌دارد، مانند لهو، بعضی از مفسران^۱ آن را به معنای «ضرر» فرض کرده‌اند؛ چنان‌که در آیه ۲۱۹ سوره بقره میان اثم و منفعت مقابله به چشم می‌خورد.^۲ برخی دیگر گفته‌اند به اعمال مطلق «حرام» از آن نظر «اثم» گفته می‌شود که ضرر هستند و انسان را از خیر باز می‌دارند. با این وصف، اثم بر تمام جرایم اطلاق می‌شود.

در فقه امامیه، جرم تعریف نشده و فقها جرم را با توجه به مجازاتی که شرع برای آن پیش‌بینی کرده است، معرفی کرده‌اند. به طور مثال در برخی عبارات آمده که «ارتکاب گناهان کبیره و اصرار بر صغیره موجب تعزیر است».^۳ در عبارتی دیگر چنین آمده است: «ارتکاب فعل حرام و ترک واجب که در شرع برای آن حد تعیین نشده، مستلزم تعزیر است».^۴ بر این اساس جرایم در فقه یا مربوط به تمامیت جسمانی است که غالباً تحت عنوان «جنایات» مطرح شده و مستلزم قصاص یا دیه است و یا جرایمی است که مجازات آن‌ها در شرع مشخص شده که تحت عنوان «حدود» مطرح می‌شوند و در غیر این موارد، عنوان «تعزیر» خواهند داشت.^۵ در فقه معاصر نیز، جرم را به ارتکاب هر عمل ممنوع تعبیر کرده‌اند. خواه منع آن از ناحیه شارع باشد و خواه از سوی حاکم اسلامی.

در گزارش کنفرانس حقوق کیفری اسلامی در جدّه، در تعریف جرم چنین آمده است: جرم در اصطلاح شرعی عبارت است از فعل یا ترک فعل که اسلام انجام یا ترک آن را واجب یا حرام دانسته و برای آن مجازات دنیوی یا عقوبت اخروی تعیین کرده است. به عبارت دیگر، جرم، مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت بوده و یا ارتکاب عملی است که به تباهی فرد یا جامعه می‌انجامد.^۶ البته این رویکرد تفاوت‌هایی با دیدگاه حقوقی دارد که ذیلاً بررسی می‌شود:

۱. از لحاظ مبنا: مبنای معصیت و گناه، کتاب و سنت است که مبتنی بر وحی و احکام الهی است. در همه زمان‌ها و مکان‌ها دارای مفهوم ثابت و تغییرناپذیری است و هیچ‌کس

۱. رشیدرضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم الشہیر بتفسیر المنارف جلد دوم، بیروت: بی‌نا، ۱۳۵۷، ص ۲۵۹.

۲. از مقابله «إثم» با منافع و «إثمهما» با «نفعهما» در آیه ۱۲ سوره بقره.

۳. خمینی، روح‌الله، ترجمه تحریر الوسیله، جلد دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۹۲، ص ۴۴۷.

۴. خویی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، نجف، مطبعة الآداب، ص ۳۳۷.

۵. جلال‌الدین قیاسی، حمید دهقان، و قدرت‌الله خسروشاهی، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی اسلام و حقوق موضوعه، ج ۱، قم ۱۳۸۵، ص ۲۱۳.

۶. نوربهاء، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ یازدهم، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۵، ص ۱۳۶.

نمی‌تواند آن را تغییر دهد. درحالی‌که مفهوم قانونی جرم، اعتباری و قراردادی است، متأثر از عوامل گوناگون بوده و متناسب با شرایط هر عصر و زمانی متغیر است.

۲. از لحاظ موضوع: از نظر موضوع بین تعریف قانونی جرم و تعریف فقهی آن تفاوت وجود دارد. در تعریف جرم از نظر قانون، دو خصیصه ملاحظه شده است: یکی، جنبه خصوصی جرم، از این حیث که وقوع جرم موجب ضرر و زیان شخص یا اشخاص معینی می‌شود. دیگری، جنبه عمومی جرم از آن جهت که ارتکاب جرم مخل نظم و تجاوز به حقوق عمومی است. درحالی‌که جرم در اصطلاح فقهی به معنی گناه و معصیت است و آن عبارت است از سرپیچی و مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس که شامل هر فعل یا ترک فعلی می‌شود که دارای ضرر اجتماعی است و یا موجب ضرر و زیان و تباهی شخص مرتکب می‌شود. بنابراین، در تعریف فقهی جرم دو ویژگی مدنظر است: یکی تجاوز به حق‌الله؛ یعنی جرایمی که مخل نظم و حقوق عمومی و اخلاق حسنه و امثال آن است. دیگری تجاوز به حق‌الناس؛ یعنی جرایمی که جنبه خصوصی و شخصی دارد و ضرر و زیان متوجه فرد یا افراد معینی می‌شود.

۳. از لحاظ تقسیم‌بندی جرم: براساس ماده ۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲، جرایم به سه دسته تقسیم شده بودند: ۱. جنایت ۲. جنحه ۳. خلاف.

این تقسیم‌بندی در کشورهای لائیک مرسوم است و تدوین‌کنندگان قانون مجازات عمومی، تحت تأثیر قوانین این کشورها آن را تصویب کرده‌اند. درحالی‌که، تدوین‌کنندگان قانون مجازات اسلامی به تبعیت از فقه اسلامی، جرایم را از نظر حقوق مورد تعدی و تجاوز و نیز میزان و نوع مجازات، به چهار بخش تقسیم کرده‌اند:

۱. جرایم مستلزم حد

۲. جرایم مستلزم قصاص

۳. جرایم مستلزم دیه

۴. جرایم مستلزم تعزیر

۱-۱-۴ تعریف جرم در نگاه حقوق کیفری

از دیدگاه حقوق کیفری، بایستی جرم را برگرفته از قانون بدانیم. هابز می‌گوید قوانین فلسفه نیستند، بلکه اوامر و نواهی دولت‌اند که همگان باید از آن اطاعت کنند. درواقع نه تنها

جرم‌بودن یک عمل از نظر یک دولت در دوره‌های متفاوت فرق می‌کند، بلکه تعریف جرم در کشورها و دولت‌های مختلف نیز متفاوت است.

در کشورهایی که اهتمام بر حفظ آزادی فردی است با کشورهایی که این چنین نیست، جرم به دو صورت تعریف شده است. چنان‌که در قوانین کیفری بیشتر کشورهای سوسیالیستی، جرم تعریف نشده و اطلاق حالت خطرناک به افراد به معنای وسیع، پذیرفته شده است. از جمله، در شوروی سابق در بند ۱ ماده ۷ قانون اصول بنیادی قوانین کیفری چنین آمده است: «هر فعل یا ترک فعل که برای اجتماع خطرناک باشد و رژیم سیاسی و اجتماعی شوروی، سیستم اقتصادی سوسیالیستی، حقوق سیاسی، کار و همچنین نظام قانونی جامعه سوسیالیستی را به خطر افکنده و مورد تجاوز قرار دهد جرم و مستوجب کیفر است».

ماده مذکور عیناً در تمام قوانین جزایی جمهوری‌های اتحاد شوروی سابق تکرار شده است. از این روی، تفسیر جرم و حیطه اطلاق حالت خطرناک، بسیار وسیع و حدود قانونی بودن مجازات برای حفظ آزادی فردی، مشخص نیست.

در سوئیس، کسی را نمی‌توان مجازات کرد، مگر این که عملی را که مطابق قانون برای آن مجازات تعیین شده مرتکب شود.^۱ در مجموعه قوانین کیفری فرانسه، تعریفی از جرم به عمل نیامده، فقط به ذکر نوع جرایم با توجه به مجازات آن‌ها اکتفا شده است. جرمی که مجازات آن پلیسی باشد خلاف، جرمی که مجازات آن تأدیبی باشد جنحه، جرمی که کیفر آن جنایی باشد جنایت است.

عده‌ای از حقوق دانان معتقدند که نقض قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد، جرم نامیده می‌شود.^۲ بعضی دیگر هر فعل یا ترک فعلی را که نظم، صلح و آرامش اجتماعی را مختل سازد و قانون نیز برای آن مجازاتی تعیین کرده باشد «جرم» می‌دانند. برخی نیز با حذف بعضی قیده‌ها، آن را با عبارت کوتاه‌تری تعریف کرده و گفته‌اند: جرم عبارت است از: «هر فعلی که قانون آن را ممنوع اعلام کرده و فاعلش را مستحق مجازات دانسته است، یعنی درواقع، جرم (یا جنایت) عبارت است از زیر پا گذاشتن قوانین جزایی».^۳

۱. قانون جزائی سوئیس، مصوب اول اکتبر ۱۹۷۶، ماده ۱.

۲. تاج زمان، دانش، مجرم کیست جرم‌شناسی چیست؟، مؤسسه کیهان، ۱۳۶۴، ص ۴۳.

۳. جولوس گولد، ویلیام، کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام و دیگران، تهران، مازیار، ۱۳۷۶، ص ۳.